


نیاز به همراهی با پلیس برای برخورد با قاچاق کالا

پلیس امنیت اقتصادی فراجا امروز میدانداران اصلی مقابله با جرایم و مفساد اقتصادی است و در این مسیر تمام تلاش ما این است که با اجرای طرح‌های مختلف، برای مقابله با پرنده‌های کلان و سازمان یافته، عرصه را بر مجرمان و مفسدان تنگ کنیم. با نگاهی به آمار بالای ورود و خروج کالای قاچاق و مرزهای گسترده کشور، به خوبی همراهی و هم‌افزایی سایر سازمان‌ها با پلیس امنیت اقتصادی احساس می‌شود. از سوی دیگر دسترسی نداشتن پلیس به برخی سامانه‌ها، مانع از انجام دقیق و سریع مأموریت‌ها می‌شود. مقابله با قاچاق، یعنی مقابله با فقر، بیکاری، تورم، گرانی و... چراکه قاچاق کالا به طور نسبی بر همه این مسائل تأثیر دارد. با توجه به اهمیت و جامع‌الاطراف بودن آن، لازم و واجب است که همه سازمان‌ها و نهادهای مختلف سهم و قدر خود را در این مأموریت مهم و اثرگذار ایفا کنند. این در حالی است که با وجود پیگیری‌های صورت گرفته برای دسترسی به برخی سامانه‌ها همچنان شاهد عدم همکاری و همراهی برخی سازمان‌ها هستیم و به دلیل عدم همراهی و همکاری‌های صورت گرفته با وجود تلاش‌های پلیس، شاهد ورود کالای قاچاق از محورهای مختلف و حتی از طریق مبادی رسمی هستیم. دوباره باید تأکید کرد که مقابله و مبارزه با قاچاق کالا، موضوعی لازم و ضروری است و با توجه به اهمیت این موضوع همچنان که گفته شد، همراهی همه سازمان‌ها در تحقق آن لازم و ضروری است. نبود همراهی، تعلل، کم‌کاری و همکاری نکردن در حوزه مقابله با قاچاق کالا، خیانتی بزرگ در حق مردم است. پلیس در این مسیر ۳۱ شهید گلگون‌کفن را برای مقابله با مجرمان اقتصادی، تقدیم کرده که نشان از تلاش جانشانه پلیس دارد. همه سازمان‌ها را رستای مقابله با قاچاق کالا و ارز سهم و وظایف مشخصی دارند که باید در شرایط موجود و کمالات و موضوعات اقتصادی از اهمیت بالاتر و بیشتری برخوردار است، این مهم را در آرس برنامه‌ها و مأموریت‌های خود قرار دهند.

🌀 کوتاہ از حوادث

بخشش عروس به شرط احداث مدرسه

 مادرشوهر بعد از ۱۶ سال، عروسش را پای چوبه دار، به شرط احداث مدرسه به نام پسرش بخشید.

به گزارش خبرنگار جام جم، مینزان میانسانی که ۱۶ سال قبل و در دوازدهم مهر سال ۸۷ در جریان اختلاف های خانوادگی که با شوهرش داشت، او را به قتل رساند بازداشت شد، مدتی بعد در دادگاه کیفری یکی از استان های مرکزی کشور محاکمه شد. تنها اولیای دم، مادر شوهر او بود که برای عروس خانواده درخواست قصاص کرد. در جریان جلسه محاکمه، متهم زن در دفاع از خود گفت: شوهرم برای پدرم کار می کرد و شرایط مالی خوبی داشتیم. او با من ازدواج کرد و مدتی بعد متوجه تغییر رفتارهای شوهرم شدم و همین باعث اختلاف های خانوادگی میان من او شد. رفتم مقداری دارو خریدم و در نوشیدنی اش به او دادم که باعث فوتش شد. بعد از جلسه محاکمه بود که قضات زن شوهرش را مقصر دانستند و او محکوم به قصاص شد که این رای در دیوان عالی کشور تایید و برای اجرا به اجرای احکام دادسرا ارسال شد. او در این سال ها دو مرتبه در زندان پای چوبه دار رفت که هر مرتبه باتلاش واحد صلح و سازش توانست برای جلب رضایت مهلت بگیرد و حکم قصاص او متوقف شود. چند روز پیش و با گذشت ۱۶ سال از این جنایت، دوباره این زندانی زن پای چوبه دار رفت و قرار بود حکم قصاص او اجرا شود که باتلاش واحد صلح و سازش، مادر داغ دیده شرطی برای بخشش عروس قاتل گذاشت و گفت: دو مرتبه قاتل را تا پای چوبه دار بردم اما هر بار قبل از اجرای حکم خواب می دیدم که پسرم آشفته حال است و روز اجرای حکم چون تردید به اجرای حکم داشتم، حکم را متوقف می کردم. این بار هم که می خواستم حکم او را اجرا کنم دوباره خواب پسرم را دیدم که حال و روزی خوبی نداشت و انگار نمی خواست من حکم قصاص همسرش را اجرا کنم. بنابراین برای شادی روح فرزندم، عروس را می بخشم به شرط این که او به نام پسر کشته شده ام مدرسه ای بنا کند تا بچه های بی بضاعت بتوانند در آن مشغول به تحصیل شوند و در آینده برای خود فردی مهم و در دستکار شوند. با قبول این شرط از سوی زن ادعای، او از قصاص رها شد.



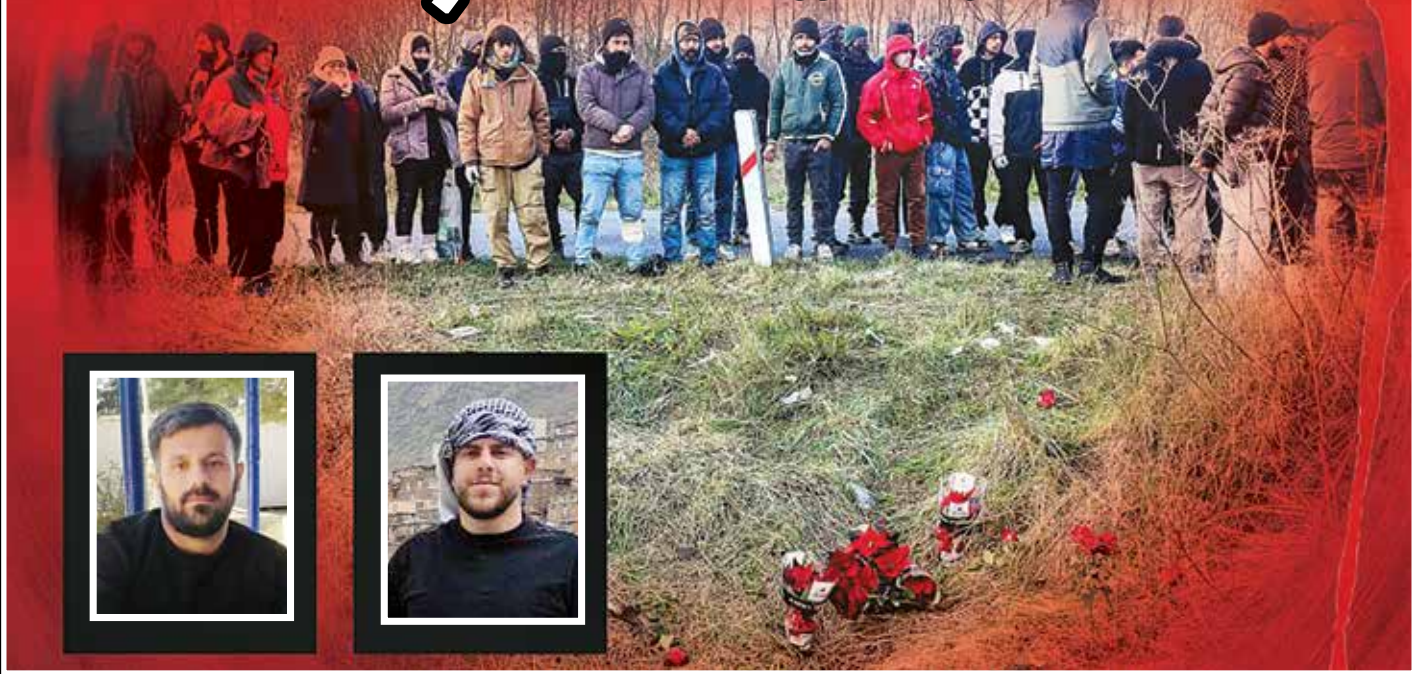
با عجله از خانواده‌ها خواستم ساختمان را تخلیه کنند. وی افزود: ما قبل از رسیدن نیروهای آتش‌نشانی از ساختمان خارج شدیم. تقریباً یک ساعت بعد از تخلیه، ساختمان کاملاً فرو ریخت و خدا را شکر می‌کنیم کسی در ساختمان نبود. باین تفاوت که ساختمان تخلیه شده بود و تلفات نداشتیم. همه زندگی‌مان زیر آوار مانده و اکنون اهالی ساختمان در خیابان‌ها هستند.

زیتون کارمندی اهواز ریزش کرد، با تدبیر مدیر ساختمان، همه ساکنان زنده ماندند. مصطفی شیخانی، مدیر این ساختمان در این باره گفت: این ساختمان سال ۹۰ ساخته شد و ۱۶ خانوار در آن ساکن هستند. پس از زلزله ۱۰ روز پیش، ناگهان یکی از ستون‌های واحد یک در طبقه اول، ترک خورد و میلگردهای آن خارج شد. شب حادثه هم یکی از دیوارهای ساختمان ترک خورد. بای‌ی بردن به این موضوع

ریزنش ساختمان ۱۶ واحدی شش طبقه در کوی زیتون اهواز به خبر گذشت و مترویل دیگری را رقم نزد. به گزارش ایسنا، دو سال و نیم از فرو ریختن مترویل روی سر مردم آبادان می‌گذرد و حالا باز هم فاجعه آوار ساختمان دیگری در اهواز را می‌بینیم، با این تفاوت که مترویل ۴۳ گشته و ۳۷ مصدوم داشت اما وقتی ساختمان شش طبقه ۱۶ واحدی مسکونی در خیابان زاهد نبش مناطق در کوی

ریزش ساختمان در اهواز به خیر گذشت

روایت دست اول از جنایت لون پلاژ



کمک به محل کمپ جنگلی آمدند، اما ماموران امنیتی به دلیل این که احتمال می دادند این حادثه یک عملیات تروریستی باشد، اجازه امداد رسانی به زخمی ها را ندادند و در حال جست و جویاری پیدا کردن ضارب بودند که همین تأخیرها باعث شد مرگ آنها به این شکل تلخ رقم بخورد. شاید اگر آنها را زودتر به بیمارستان می رساندند، امید به زنده ماندن شان وجود داشت. از طریق انگشتر حمید توانستیم هویش را تأیید کنیم. عمویی به خارج از کشور داریم که قرار شد او به فرانسه برود تا مقدمات انتقال جسد بچه ها را به ایران فراهم کند.

وی خاطرنشان کرد: خانواده ما بابت قتل حمید در فرانسه از دولت این کشور شکایت دارد تا معلوم شود که این مرد ۲۲ ساله فرانسوی با چه انگیزه ای و او هادی را به این قتل رسانده است. چادر اید امداد رسانی کردند؟ پیگیر شکایت از طریق سفارت فرانسه در ایران و خود کش فرانس هم هستیم. احتمال می دهیم که مهاجم از مهاجران نفرت داشته باشد که این طور جان عزیزان مان را گرفت.

وی درباره انتقال اجساد هم گفت: برادرهای من نیز در خارج از کشور زندگی می‌کند و قرار شد که او نیز برای پیگیری پرونده مرگ بچه‌ها و کمک به انتقال اجساد آنها راهی فرانسه شود.

متین که دوست این دو قربانی و تنها شاهد ماجراست هم در تحقیقات گفته است: من و دوستانم برای زندگی بهتر راهی این سفر پرفرازونشیب شده بودیم تا خودمان را به انگلستان برسانیم، حتی وقتی قالیق مان خراب شده و به سختی از کانال مانش خارج شدیم انگار خدا عمری دوباره به ما داد. اما فکر نمی‌کردیم اتفاق تلخ‌تری در انتظارمان باشد. آن مرد مهاجم را نمی‌شناختمیم. وقتی در محوطه کمپ بودیم خودروی توقیف کرد. راننده که پیاده شد سلاح به دستش بود. بی آن‌که حرفی بزند و درحالی‌که چهره‌اش پر از خشم بود به سمت مان شلیک کرد. سعی کردیم فرار کنیم اما تیرهایی که شلیک کرد جان دو دوستم را به خطر انداخت و باعث زخمی شدن و در ادامه مرگ آن دو شد. بقیه مهاجران فرار کردند و هر کدام سعی می‌کردند خود را پنهان کنند تا در تیرسوزی نباشند. نمی‌دانم آن مرد چرا این‌ها را بر سر آورد.

مهرین گزارش و شش هاردی است به دلیل نگرانی‌های ایمنی، اخیراً گزارش‌ها و حش‌داشتن در کمپ بمانند. همچنین مقامات هیچ سرپناه جایگزینی برای افراد حاضر در اردوگاه معرفی نکرده‌اند.

قاتل ۲۲ ساله به نام پل دی، هنوز دربره انگیزه خود اظهارات درستی بیان نکرده است. شارلوت هویت، دادستان داترک به منطبقه وقت که تحقیقات در مورد یک سری قتل ها و «اکتساب، نگهداری و حمل سلاح های گرم دسته A» در جریان است. بازرسان در حال بررسی این موضوع هستند که آیا پل دی با کارفرمای خود مشاجره داشته است یا نه. که طبق گزارش ها، اولین کسی بود که عمر شبیه مورد، مصابت گلوله قار گرفت. آنها در تاش اندا مشخص کردند که آیا میکس که او با واد و نگهبان امنیتی که مدتی بعد تیرباران نیز اختلاف داشته یا نه.

حدود ۳۰ مهاجر دیروز برای گذاشتن گل رز قرمز و همدردی با قربانیان تیراندازی در محل حادثه گرد هم آمدند.

اما آنها در خواست‌شان را نپذیرفتند و کمکی به مهاجران نکردند. ۲۵ نفر در این کمپ جنگلی حضور داشتند. حمید یک ساعت و نیم ماند و به وقوع حادثه با خانواده موومیر تلفنی صحبت کرده و شرایط خود و دوستانش را با آنها در میان گذاشته بود. حادثه در غروب شبیه رخ داد. در طول این مدت که آنها و دیگر پناهجویان در آن مکان حضور داشتند، افراد محلی به مهاجران یاری می‌رسانند و غذا، پوشاک و ملزومات ضروری آنها را فراهم می‌کردند. حمید شبیه، خودرویی در همان کمپ جنگلی توقف کرد. دوستانش فکری می‌کردند که این فرد نیز یکی از نیکوکارانی است که برای کمک به مهاجران آمده، اما مرد ۲۲ ساله فرانسوی از خودرو پیاده شد و به سمت آنها تیراندازی کرد، که به کشته‌شدن پسرعموم، دوستش و دو مأمور امنیتی کمپ منجر شد. شامگاه شبیه، در خبرها خواند که مردی در همان کمپی که بچه‌ها حضور داشتند، تیراندازی مرگباری انجام داده است. شوکه شدم و حتی، باورم نمی‌شد ممکن است حمید در میان کشته‌شدگان باشد. موضوع را از طریق یکی از دوستانم پیگیری کرده و متوجه شدم که ماجرا صحت دارد و دوستش هادی در این حادثه به قتل رسیده‌اند. هنوز مرگ آن دو را باور نداریم. پس از بررسی‌های فراوان، متوجه شدیم که زمان وقوع این حادثه، مردم به پلیس فرانسه اطلاع داده و درخواست کمک کرده بودند. نیروهای امدادی برای

ازدو ایرانی کرد که در جریان تیراندازی در کمپ جنگلی لونی پلاژ، نزدیک شهر دانکرک در شمال فرانسه کشته شدند، به شرح جزئیات این ماجرا پرداخت. آنها قصد داشتند به انگلستان مهاجرت کنند و برای آن سوی یک پیسر ۳۲ هزار فرانسوی قرار گرفتند. خبرگزاری هابرجام جمعی، حمید، جوان نینیار میروان، در سوای فرانسه با یک زن دیگری بهتر تصمیم به مهاجرت از ایران و زادگاهش دادند. هر دو نفر هادی در کمپ فرانسه به پایان تلخ رسید. هرچند عامل این جنایت خود را به پلیس دولتی فرانسه اعتراف کرده است اما هنوز انگیزه او برهاله‌ای از ابهام قرار دارد.

سوار قایق شدند و راهی یونان شدند. فرود باز در آنجا به کاتال ماتش و سپس به انگلستان برسد. در این مدت، حمید با خانواده‌اش ده تلافی صحبت می‌کرد و جزئیات سفرش را برایشان بازگو می‌کرد تا آنها نگران نشوند. چهار ماه طول کشید تا به سختی به کمپ جنگلی لون پلاز برسد. حتی بخشی از مسیر را با تیوب در دریا طی کردند و از خطرات آن جان سالم به‌در بردند. آنها مجبور شدند ۱۰ روز را در کمپ جنگلی لون پلاز نزدیک شهر دانکرک در شمال فرانسه بمانند. حمید برای رسیدن به کمپ ۴۵۰ مایلیون فرانک هزینه کرده بود. در این مدت، افراد محلی که مدت‌ها بود در آن منطقه اقدامات بشردوستانه انجام می‌دادند، برایشان لباس، غذا و وسایل گرامینی فراهم می‌کردند و به آنها کمک می‌کردند. بیشتر گرامینی ایرانی بودند. پسرعموی مقتول داماد داد: حمید و سه دوستش ابتدا از مأموران انگلیسی کمک خواسته بودند تا بتوانند قایق را تعمیر کرده و به سفرشان ادامه دهند،

پسرعموی حمید در گفت‌وگو با جام‌جم به تشریح این جنایت پرداخت و گفت: پسرعمویم ۲۶ ساله و مجرد بود و در کانی دینار با خانواده‌اش زندگی می‌کرد، او دو خواهر و یک برادر بزرگ‌تر از خود داشت و در مریوان صاحب مغازه، خواربارفروشی بود. مدت‌ها به مهاجرت فکر می‌کرد و در سودای یک زندگی بهتر در آن سوی مرزها بود. خانواده‌اش اما چندان موافق مهاجرت او نبودند، ولی با انجام کارهای لازم موافقت کردند و او راهی این سفر شد. حمید چهار ماه پیش به‌طور قانونی و هوایی از ایران به ترکیه رفت و قرار بود از آنجا به کمک قاچاق‌بران راهی انگلستان شود. در این سفر، دو همسرش کرد هم با او همراه بودند.

افزود: یکی از آشنایان ۳۵ ساله بود که در این حادثه همراه پسرعمویم شرکت داشت. شد. برادر هادی در دانمارک زندگی می‌کرد، اما او تمایل داشت تا همراه حمید و دو نفر از دوستان‌شان به نام‌های متین و راشد به انگلستان برود. آنها چند روزی در ترکیه بودند و سپس با قاچاق‌بران

محکمہ

محاكمه تازه داماد به اتهام قتل پدرزن

که جوان که با همدستی دو دوستش نقشه قتل پدرزنش را اجرا کرده، در جلسه گاه منکر قتل شد و دادعاکر برای سرعت وارد گلخانه پدرزن خود شده بودند. گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از پاییز دو سال قبل و بازداشت قتل مرد سالخورده‌ای به نام اسماعیل در گلخانه‌اش در جنوب تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد مرد ۷۰ ساله با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده و وارد گلخانه‌اش وقت شده است. جسد مقتول با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و دو ماه تحقیقات فوری را آزمایشی از این جنایت آغاز کردند. ماموران در نخستین روزهای فوریه ۱۳۹۷ در این محله با مدرسه پسرانه و دخترانه متوجه مرد موتورسواری شدند. در آن حوالی پرسه می‌زد. با پرسش شماره پلاک موتور، هویت مالکین به نام مریم تناسایی و توسط ماموران بازداشت شد. او در تحقیقات اعتراف کرد که با همدستی دو دوست دیگرشان به نام نوید حسین و نویدم دستگیر شدند. افسین در تحقیقات لب به اعتراف گشود و گفت: سه سال قبل با دختر اسماعیل ازدواج کردم. وضع مالی اسماعیل خوب بود اما میانم ندانشن فرق می‌گذاشت و به همسر من برعکس بقیه بچه‌ها بی‌پولی نمی‌داد. مریم رفتارشان باعث شد از او کینه به دل بگیرم و به دنبال انتقام باشم. شبانه همراه نفر از دوستانم به گلخانه پدرزن رفتیم و با ضربه‌های چاقو او را کشتیم. حتی برای خنثه‌سازی از آنجاسرکت صدمه تا پالیش تصور کند سارقان اسماعیل را کشته‌اند. با طرف مهمان، با زمساری کینه‌ها تهنیت دادیم. تحقیقات، پرونده را به رسیدگی به مراجع قضایی منتقل کردند. در این جلسه پدرزن از این جلسه جرح و خرد و قربانی در خواست قصاص قاتل را مطرح کردند. آنها گفتند به هیچ عنوان افسین



رامنی بخشد و او باید قصاص شود. سپس افسین در جایگاه ایستاد و بار دانهام قتل عمد گفت؛ به دلیل رفتارهای پدرزن از او ناراحت بودم اما به مرگش راضی نبودم. روز حادثه همراه دو دوستم به گلخانه رفتیم و قصدمان فقط سرقت بود. قصدمان این نبود که اسماعیل و هم محلی ها به فکر امنیت منطقه باشند. ما بعد از سرقت از آنجا خارج شدیم و نمی دانم چه کسی پدرزن را کشته است. او درباره اعترافاتی قبلی خود نیز اظهار کرد: در پلیس آگاهی تحت فشار بازجویی بودم. به من گفتند، همسرم باردار بوده و تحت فشار روانی سقط جنین کرده، من هم به خاطر حال همسرم اعتراف می کردم. کیومرث هم وقتی در جایگاه ایستاد در دفاع از خود گفت: من سر خیابان منتظر ماندم و افسین و نوید به داخل گلخانه رفتند. هیچ نقشی در مرگ اسماعیل نداشتم. در پایان نوید در جایگاه ایستاد و اظهار کرد: وقتی افسین این پیشنهاد را داد، مخالفت کردم. او گفت من را قتل کرده با او همراه شدم. مقابل در گلخانه یک دستکش و جاقوف من و مادامی که من خواهد پدرزن را به قتل برساند. ترسیده بودم اما تحت تاثیر جرقه هایش قرار گرفتم. دو نفری به اسماعیل ضربه زدیم. دستکش و جاقوف را در یک رودخانه انداختیم و با موتور کیومرث فرار کردیم. پس از دفاعیات بهتیمان، قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند.

عدلیہ

مرد افغان، قربانی خیانت همسرش شد

نی که با همدستی مرد مورد علاقه اش، نقشه قتل شوهرش را اجرا کرده بود، به همراه همدستش زداشت شد. مرد جوان اعتراف کرد در دومرحله قصد جانیت داشته که موفق نشده اما بعد از خانه مقتول رفته و نقشه قتل را اجرا کرده است. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه کشتنیه بیست و پنجم آذر امسال یکی از ماموران مستقر در یکی از بیمارستان های جنوب تهران در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مشکوک مرد توان تبعه افغانستان قرار داد. این مرد با ۹۶ ضربه چاقو به قتل رسیده بود. همچنین معلوم شد از سوی همسرش به بیمارستان منتقل شده است. زن مقتول در تحقیق از سوی ماموران در بازگشتی هاگاتی: شوهرم صبح ییادار شد نماز بخواند که صدای مشاخره و دعواشنیدم. از اتاق خواب که بیرون آمدم مردی با سر و صورت پوشانده دیدم که شوهرم را زخمی کرد و گریخت. ماموران با حضور در خانه مقتول با وی سرسری آنجا متوجه شدند. قتل در تخریب نشده و اموالی م به سرقت نرفته است. با تحقیق از همسایه ها ماموران متوجه شدند این زوج همیشه با هم اختلاف و درگیری دارند. بنابراین با مظنون شدن به همسر مقتول او را بازداشت و به اداره هم پلیس آگاهی تهران منتقل کردند. زن متهم روز بعد اعتراف کرد که با همدستی مرد مورد علاقه اش نقشه قتل شوهرش را اجرا کرده است. با اعتراف او قاتل تحت تعقیب قرار گرفت و دیروز زداشت شد. او در مواجهه حضوری با همسر مقتول به قتل اعتراف کرد و گفت: با سوسن در بازار و به طور اتفاقی آشنا شدم. بعد برایم تعریف کرد شوهری دارد که همیشه اذیتش می کند. ملاقاتش نمی دهد و فرزند ی سه ساله هم دارد. به هم علاقه مند شدیم شوهرش سده راه زندگی داد و نفر بود. تصمیم به اجرای نقشه قتل او گرفتیم. چاقویی تهیه کردم و می خواستم شوهرش در خیابان به قتل برسانم که موفق نشدم. زن مورد علاقه ام کلید خانه شان را به من داد تا او وارد خانه بکشم. سرانجام آخیرش شنیه با کلیدی که داشتم وارد خانه شدم. زن دروویی خواب آور و غداش ریخته و او را میبیدار کرده بود. اما بعد از یکسبته با او ۹۶ ضربه چاقو به شدت زخمی کردم و بعد متواری شدم. چاقو را در انداختم و ساعاتی بعد که با آن زن حرف زدم گفت شوهرش فوت شده است. سالار، صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهمان تحقیقات از آنها ادامه دارد.